



ما می گوئیم:

کلام امام در اینکه مراد از تعاون آن نیست که دو نفر با هم یک کار را انجام دهند، کلام درستی است ولی اولاً: اینکه بگوئیم لازمه جمود بر لفظ آن است که مراد از آیه «حرمت در صورت شرکت همه مکلفین» است، کلام کاملی نیست چراکه «لا تعاونوا» عام مجموعی نیست بلکه عام انحلالی است و لذا اگر گفتیم مراد از تعاون، «اشتراک در عمل» است، اگر دو نفر هم اشتراک داشته باشند، آیه بر عمل آنها صادق است.

ثانیاً: درست است که تعاون به معنای اشتراک در عمل نیست ولی اگر ظاهر باب تفاعل را ملاک بگیریم، آیه به جایی اشاره دارد که زید به عمرو کمک می کند و عمرو به زید. و لذا اگر تنها یکی به دیگری کمک کرد، تعاون صدق نمی کند (چنانکه در تکاذب و تضامن چنین است).

الا اینکه به آنچه از قاموس و مجمع البیان و تبادر ابتدایی فهمیده می شود، استناد کنیم و بگوئیم: تعاون به معنای اعانه است و معنای خاص باب تفاعل در آن اخذ نشده است.

همین مطلب را به نوعی دیگر برخی از شاگردان ایشان بر ایشان اشکال کرده اند:

«أَنَّهُ إِذَا فُرِضَ كَوْنُ الْحَرَامِ إِعَانَةً أَحَدِ الشَّخْصِينَ لِآخَرَ فِي عَمَلٍ وَإِعَانَةُ الْآخَرِ لَهُ فِي عَمَلٍ آخَرَ فَهَذَا مُحَرَّمٌ مُسْتَقْلَانٌ وَلَا دَخَلَ لِأَحَدِهِمَا فِي حَرَمَةِ الْآخَرِ وَلَا أَرْتِبَاطٌ بَيْنَهُمَا، فَلَا يَرَى عَلَى هَذَا وَجْهَ لاسْتِعْمَالِ بَابِ التَّفَاعُلِ الظَّاهِرِ فِي أَرْتِبَاطِ الْفَعْلَيْنِ وَ كَوْنِهِمَا مُحْكَمِينَ بِحَرَمَةِ وَاحِدَةٍ، بَلْ كَانَ الْمُنَاسِبُ أَنْ يُقَالَ: لَا يَعْينُ أَحَدٌ مِنْكُمْ غَيْرَهُ فِي الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ.

فاستعمال باب التفاعل و تعلق نهی واحد به ظاهران فی کون المنهی عنه اشتراکهما فی عمل واحد قائم بشخصین أو بأشخاص، بحيث لا يتحقق غالباً إلا بالاشتراك و التعاون، مثل أن يجتمع جماعة على قتل نفس محترمة أو هدم مسجد بحيث يكون كل واحد منهم معيناً للآخرين في إيجاد فعل محرم، إذ الأفعال التي يترتب عليها المصالح أو المفسدات على نوعين: بعضها مما يقوم بشخص واحد و بعضها مما لا يتحقق غالباً إلا بالشركة فيه.

فالمبادر من الآية النهي عن التعاون في الأعمال الاشتراكية المشتملة على المفسدات و الأمر بالتعاون في الأعمال الاشتراكية المشتملة على المصالح. و كون مادة العون ظاهرة في كون أحد الشخصين أصيلاً و مستقلاً و الآخر فرعاً له ممنوع، بل الظاهر من هيئة التفاعل كون الشخصين متلبسين بالمادة في عرض واحد، فتدبر.

و كيف كان فلا دلالة في الآية الشريفة على حرمة الإعانة على الإثم شرعاً بمعنى كون أحد أصيلاً في عمل و الآخر فرعاً له موجداً لبعض مقدمات فعله، بل لم نجد بذلك دليلاً من السنة أيضاً.<sup>1</sup>

۱. دراسات في المكاسب المحرمة؛ ج ۲، ص: ۳۴۱

توضیح:

۱. تعاون در جایی است که چند نفر در یک کار به هم کمک کنند.
  ۲. اگر زید به عمرو در کار الف و عمرو به زید در کار ب کمک کند، این تعاون نیست. بلکه دو کار و دو حرام مستقل است و باب تفاعل نیست.
  ۳. باب تفاعل جایی است که زید و عمرو به هم در پیدایش یک کار کمک کنند.
  ۴. پس اگر زید به عمرو کمک کرد و عمرو انجام داد، این تعاون نیست.
  ۵. توجه شود که افعال حرام گاه توسط شخص واحد انجام می شود و گاه برای تحقق، محتاج آن است که گروهی با هم آن را انجام دهند.
  ۶. تعاون مربوط به نوع دوم است.
  ۷. اما اینکه عون مربوط به جایی است که یک نفر اصیل باشد و نفر دیگر فرع باشد، درست نیست [ما می گوئیم: ظاهراً مراد ایشان آن است که عون اگرچه به این معنی است ولی عون در باب تفاعل به این معنی نیست]
  ۸. تفاعل یعنی دو شخص در عرض هم یک کار را انجام دهند.
  ۹. پس آیه دلالتی بر حرمت اعانه بر اثم ندارد.
- ما می گوئیم:
- ۱) ممکن است در ابتدا چنین به ذهن خطور کند که آنچه در عبارت ایشان خواندیم، با مواردی دیگر از باب تفاعل سازگار نیست مثلاً «تکاذب» جایی نیست که یک کذب (واحد شخصی) در کار باشد و یا تمناع جایی نیست که یک مانع را دو نفر ایجاد کنند یا تضامن جایی نیست که یک ضمان باشد بلکه این ها مربوط به جایی است که دو کذب و دو مانع و دو ضمان در بین است.
  - ۲) اما این مطلب اشکال بر صاحب دراسات نیست چراکه ایشان نمی خواهند بگویند در تعاون «یک عون» در کار است بلکه می گویند دو عون است اما نسبت به تحقق یک شیء. و لذا زید نسبت به عمرو و عمرو نسبت به زید کمک کار هستند ولی هر دو با هم یک کار را موجود می کنند.
  - ۳) با توجه به آنچه گفتیم: اگر نتوانیم ثابت کنیم که «تعاون» در لغت عرب به معنای اعانه است (چنانکه امام ادعا فرمودند) حق با محقق ایروانی است و آیه دلالتی نسبت به حرمت اعانه ندارد.
  - ۴) قبل از بررسی کلمات لغویون مناسب است به کلام مرحوم بجنوردی در بیان معنی تعاون بپردازیم. ایشان در تفسیر این واژه مسیر دیگری را پیموده است.



قبل از تقریر کلام مرحوم بجنوردی لازم است توجه کنیم که تفاوت نظر امام با مرحوم ایروانی و صاحب دراسات در چیست؟

امام می فرمایند که تعاون شامل ۳ جا می شود:

- (۱) زید به عمرو کمک کند در کار الف  
عمرو به زید کمک کند در کار الف
- (۲) زید به عمرو کمک کند در کار ب  
عمرو به زید کمک کند در کار ب
- (۳) تنها زید به عمرو کمک کند در کار الف

مرحوم ایروانی تنها فرض اول را تعاون می دانست.

مرحوم بجنوردی می گویند معنی تعاون شامل فرض (۱) و (۲) می شود ولی چون خطاب آیه به همه جامعه اسلامی است لذا فرض (۳) هم مشمول آیه می شود چراکه اگر به همه جامعه اسلامی توجه کنیم بالاخره زید به عمرو کمک می کند در کار الف و بکر به خالد کمک می کند در کار ب و همد به زید کمک می کند در کار ج و .. ایشان می نویسند:

«و لكن أنت خبير بأن أمره تبارك و تعالی بالتعاون على البرّ و التقوی، و كذلك نهيه عن التعاون على الإثم و العدوان ليس باعتبار فعل واحد و قضية واحدة و فی واقعة واحدة، بل الخطاب إلى عموم المؤمنین و المسلمین بأن يكون كل واحد منهم عوناً للآخر فی البرّ و التقوی، و لا يكون عوناً لأحد فی الإثم و العدوان. و بعبارة أخرى: إطلاق لفظ «التعاون» باعتبار مجموع القضايا، لا باعتبار قضية واحدة و فعل واحد، فلو كان مثلاً زید عوناً لعمرو فی الفعل الفلانی و كان عمرو عوناً لزید فی فعل آخر یصدق أنّهما تعاونوا، أي أعان كل واحد منهما الآخر.»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

ظاهراً در فهم معنی تعاون حق با مرحوم ایروانی است و باید آنچه هر دو طرف عون در آن هستند، یک کار واحد باشد و لذا اگر زید به عمرو در الف کمک می کند و عمرو به زید در کار ب و در عین حال الف و ب هر دو خیر هستند، باز تعاون در خیر صدق نمی کند. بلکه تعاون در جایی است که یک عمل خیر و یک مصداق خیر در میان است و لذاست که توجه به مجموع جامعه اسلامی هم راهگشای مقصود نیست.

۱. القواعد الفقهية (للجنوردی، السيد حسن)؛ ج ۱، ص: ۳۶۱